شیوه‌های هیجانیِ زندگی‌های لاکچری و نوزادان نارس

قدم «نارسیده» مبارک!

خاص بودن در برخی مسائل شخصی و اجتماعی، آفتی است که بر اثر ثروت‌های بادآورده، به جان افراد مختلف جامعه افتاده است. یکی از این آفت‌ها اصرار بر رند بودن شماره‌های مختلف است؛ از شناسنامه بگیر تا هر تاریخ و عدد و رقم دیگری که بشود رند و خاص بودنش، را توی چشم دیگران کرد.



آذر فخری، روزنامه‌نگار

مطب پزشک متخصص زنان است، و زنان، اگر بیماری خاص دیگری نداشته باشند، باردارند. خانم‌های مراجع، البته تنها نیستند یا با مادر خود آمده‌اند یا با همسرشان. این زوجی که روبه روی ما نشسته‌اند، کاغذ و قلم و ماشین حساب هم در دست دارند و هی می‌نویسند و خط می‌زنند و با ماشین حساب‌شان، حساب می‌کنند. گاهی صدای‌شان را برای هم بلند می‌کنند و وقتی متوجه نگاه اطرافیان می‌شوند، مدتی ساکن می‌مانند و ... اما حساب و کتاب‌شان تمامی ندارد. کنار دستی‌ام، در حالی که از عصبانیت، لبش را گاز می‌گیرد می‌گوید انگار نمی‌توانند در مورد تاریخش به توافق برسند.

کنجکاو می‌شوم: در مورد چی؟

با پوزخند می‌گوید در باره تاریخ تولد بچه دیگه! مگه نمی‌دونی؟!

تاریخ تولد بچه؟ خوب، چه فرقی می‌کند بچه کی به دنیا بیاید. البته، این را می‌دانم که بعضی از خانم معلم‌ها زمان بارداری خود را طوری تنظیم می‌کنند که سه ماه تعطیلات تابستان هم به مرخصی زایمان‌شان اضافه شود و بتوانند مدت بیشتری در کنار نوزاد خود باشند. اما این که بخواهی تاریخ دقیق تولد و حتی روز و ماهش را محاسبه کنی... این دیگر برمی‌گردد به سبک زندگی خاص این روزهای ما ایرانی جماعت.

رُند، یعنی لاکچری!

خاص بودن در برخی مسائل شخصی و اجتماعی، آفتی است که بر اثر ثروت‌های بادآورده، به جان افراد مختلف جامعه افتاده است. یکی از این آفت‌ها اصرار بر رند بودن شماره‌های مختلف است؛ از شناسنامه بگیر تا هر تاریخ و عدد و رقم دیگری که بشود رند و خاص بودنش، را توی چشم دیگران کرد. این ماجرا از طبقات طبعا مرفه برمی‌خیزد، اما رفته‌رفته دامن اقشار مختلف را می‌گیرد. این داستان وقتی به طبقه متوسط به پایین می‌رسد، برای خود مصایب خاصی هم دارد مثل وام و قرض گرفتن برای تهیه هزینه این اعداد رند که گرانی‌شان کاملا غیر واقعی و وابسته به تقاضای کاذبی است که بین مشتریان مد شده است.

شماره ملی رند، شماره پلاک ماشین رند، شماره تلفن رند، تعیین تاریخ عقد و ازدواج رند و ... خوب با این‌ها یک جوری می‌شود کنار آمد. هر چند برای هر کدام از آن‌ها، باید از مبادی مجاز و غیرمجاز عبور کرد و هزینه‌های گاه سنگینی پرداخت. خرید و فروش اعداد رند در هر زمینه‌ای برای خودش نوعی تجارت پرسود است که ساز و کار و دلالی‌های ویژه خودش را دارد. و حتی در عرصه تجارت و دلالی هم، باید از چندین و چند کانال، از جمله کانال آشنایان و همکاران عبور کرده باشی تا مثلا پلاک ماشینت و یا شماره کارت ملی فرزندت رند باشد. حالا شماره تلفن و تاریخ عقد و عروسی را یک جوری می‌شود با پول بیشتر راست و ریست کرد.

اما تاریخ تولد فرزند و این که حتما تنظیمات بارداری و مراحل آن به گونه‌ای کنترل شود که نوزاد در تاریخ رندی که والدین دل‌شان می‌خواهد متولد شود، تکراری است اگر بگویم باز هم از همان کارهایی است که فقط از ما ایرانی جماعت برمی‌آید. یک نگاه اجمالی به آمار زایمان در تاریخ ۸۸/۸/۸، که مصادف با میلاد امام رضا(ع) بود، می‌تواند همه‌چیز را روشن کند. حال یا خود نوزادها علاقه داشتند در این تاریخ به‌خصوص به دنیا بیایند. یا روی تنظیمات‌شان کار شده بود و یا والدین از طریق بیمارستان و ثبت احوال تاریخ تولد فرزندشان را به نحوی دست‌کاری کرده بودند. که البته اگر دست‌کاری فقط روی کاغذ باشد و نه بر روی خود نوزاد، تا حدی قابل تحمل است. اما این ماجرا، چهره غریب و گاه دردناکی هم دارد.

تخت و دستگاه NICU

والدینی که تاریخ تولد نوزاد، برای‌شان، از جان و سلامت او واجب‌تر است، می‌توانند با پرداخت هزینه‌های سنگین در بیمارستان، به آرزوی‌شان برسند و مثلا تاریخ تولد فرزندشان را با تاریخ تولد ماد، یا تاریخ ازدواج‌شان، ست کنند. حتی در مواردی دیده شده که در این مورد به شماره تلفن مادر یا پدر هم عنایت ویژه‌ای می‌شود!

«رسیده» بودن جنین، شرط مهم و اساسی در پایان بارداری است و این برای هر نوزاد، متفاوت از نوزاد دیگر است و نمی‌توان تاریخ قطعی و دقیقی برای آن تعیین کرد

داشتن این عدد ویژه در شناسنامه، علاوه بر این که امکان زایمان طبیعی را از مادر می‌گیرد، زمان و فرصت مناسب تولد را هم از جنین، سلب می‌کند. یعنی در مواردی والدین ترجیح داده‌اند، نوزاد در تاریخی که انتخاب کرده‌اند و به‌صورت نارس، متولد شود.

طبعا، نوزاد نارس به مراقبت‌های ویژه نیاز دارد و نمی‌توان بعد از تولد او را در آغوش مادر به خانه برد و باید مدتی در بیمارستان بماند تا زمانی که کم‌آورده و موجب اختلال در رشدش شده، جبران شود.

تخت و دستگاه NICU، وسیله‌ای است که معمولا برای نوزادان نارس مورد استفاده قرار می‌گیرد و هزینه استفاده از آن بسیار گران است. بخش مراقبت ۲های ویژه نوزادان (neonatal intensive care unit) NICU بخشی است که در آن تجهیزات مخصوص نوزادان و کادر بیمارستانی که مهارت ویژه‌ای در مراقبت از نوزادان دارند را شامل می‌شود. این بخش با طراحی مخصوص برای کمک به نوزادانی است که نیاز به مراقبت‌های بیشتری دارند. در واقع، این امکانات، عملا برای نوزادی است که به کمک‌های ویژه واقعی نیاز دارد و تولد نارسش، اتفاقی و به‌خاطر مشکلات خودش یا مادرش بوده است. در حالی که اخیرا، همین امکانات، که اغلب بیمارستان‌های خاص از آن برخوردارند، در اختیار والدینی قرار می‌گیرد که نوزادان خود را دچار مخاطره تولد نارس می‌کنند. و طبیعی است که علاوه بر مشکلات و مشقات جسمی بیهوده‌ای که بر نوزاد تحمیل می‌شود؛ نمی‌توان چشم بر روی تبعات روانی چنین اتفاقی بست. معمولا چنین نوزادانی جسم و روح بسیار حساس و آسیب‌پذیر دارند و در آینده دچار مشکلات خاص می‌شوند؛ البته اگر شانس بیاورند و در همان مراحل NICU دچار مشکلات تنفسی و عفونی نشوند. چرا که نوزادان نارس، نیازمند کمک و حمایت تنفسی نیز هستند که بسته به وخامت وضعیت تنفسی‌شان، با استفاده از تجهیزات مختلف موجود در این بخش تحت کنترل و درمان قرار می‌گیرند.

خاص بودن در برخی مسائل شخصی و اجتماعی، آفتی است که بر اثر ثروت‌های بادآورده، به جان افراد مختلف جامعه افتاده است. یکی از این آفت‌ها اصرار بر رند بودن شماره‌های مختلف است

دمای آن را به شرایط رحم و آغوش مادر، نزدیک‌تر کنند و از سوی دیگر، نهایت تلاش پزشکان متخصص و نیز خود مادران، این است که فرزندانی سالم و به حد رشد رسیده به دنیا آورند، در این طرف ما در گیر والدینی هستیم که حاضرند برای چند عدد خاص، از مال خود و جان نوزاد و مادرش، هزینه کنند.

اگر نگوییم در تمام تحرکات و تصمیم‌های اجتماعی و شخصی‌مان، اما در اغلب چنین رویکردهایی، «هیجان» حرف اول را می‌زند. و این هیجان، البته، به شدت کاذب و تابع مد و کلاس و پرستیژ اجتماعی و مالی والدین است. روزگاری این هیجانات با تلاش برای انتخاب و تعیین جنسیت جنین با توسل به انواع و اقسام روش‌های علمی و غیرعلمی و بعد از تولد، وادار کردن کودک به شرکت در کلاس‌های مختلف و رفتن به مدارس خاص و ... پاسخ داده می‌شد و هنوز هم ادامه دارد، اما امروزه، این روند هیجانیِ چشم و هم‌چشمی پا را فراتر گذاشته و وارد زندگی پیش از تولد و سرنوشت و سلامت جنین شده است.

در این میان البته نقش خاص برخی پزشکان سودجوی متخصص زنان و زایمان را نباید از نظر دور داشت که با دخالت در سبک و شیوه، و زمانِ آغاز و پایان بارداری، از این بازار نهایت سوءاستفاده را می‌کنند.

ساده‌ترین و کم آسیب‌ترین شیوه دخالت در تعیین تاریخ تولد نوزاد، واسطه‌گری دلالان در هنگام صدور گواهی و ثبت تاریخ در بیمارستان و نیز در ثبت احوال است. در این روش، هر چند ممکن است والدین روند طولانی‌تر کاغذبازی‌های مختلف و دیدن دم این و آن را طی کنند، اما حداقل، آسیب جدی و خاصی به سلامت نوزاد و حتی مادرش، وارد نمی‌شود.

و اما بعد...

حالا بسیاری از پزشکان، برخی بیمارستان‌ها و نیز اغلب والدین، خود را برای ۹۷/۷/۷ آماده می‌کنند. زمانی برای تولد نوزدان نارس یا دیررسی، که شوخی‌هایش از همین حالا در بین کادر درمانی آغاز شده است!

یادداشت

دفن کودک «همان جایی» در میان زباله‌ها و توجیهات «همین جایی»

زیستن با زباله، خفتن در زباله!

آسیه ویسی

چرا مسئله فقط از «همان جا» شروع می‌شود؟ چرا برای تمام مشکلات و معضلات و آسیب‌های اجتماعیِ داخلی (با مسائل سیاسی و اقتصادی کاری نداریم که به اندازه کافی متولی دارد؛ از مسئولین بسیار محترم رده بالا تا راننده‌های محترم تاکسی، علی برکت‌الله)، یک «همان جا»یی هست که آن بیرون است؛ بیرون از مرزهای ماست، که اگر بسته، محصور و کنترل شود؛ جامعه ما دیگر مشکلی نخواهد داشت؟

«همان جا» جایی است که «عضو فراکسیون فرهنگی مجلس» می‌گوید منشاء تمام مشکلات است. هر چه هست از آن جا می‌آید. به‌خصوص کودکان کار، کودکانی که توسط پیمانکاران شهرداری برای جمع‌آوری و تفکیک زباله، به بیگاری گرفته می‌شوند، به بیماری حادی مثل ایدز مبتلا شده و در همان محل تفکیک زباله‌ها، «دفن» می‌شوند.

در واقع «همان جا» در تار و پود ذهنیتِ جمعی ما چنان تنیده شده است که نمی‌توانیم (و در واقع نمی‌خواهیم) اعتراف کنیم که در میان این کودکان، فرزندان سرزمین خودمان هم هستند و اصلا تفکری که بخواهد «کودک زباله‌گرد» را هم مشکلی خارجی و غیرخودی ببیند، به‌طور طبیعی راه‌حلی که برای آن خواهد اندیشید، در همان حد محصور و کنترل کردن مرزها خواهد بود و نه دیدن ریشه و مسائل مشکل‌زا در داخل، در کوچه پس کوچه‌های شهرها و در خانه‌های خودمان.

مشکل تا زمانی که خارجی تلقی شود، کسی در مورد کودک بی‌پناهی که بیمار می‌شود، می‌میرد و در میان زباله‌ها دفن می‌شود؛ سوال نخواهد کرد! به هر حال او یک «خارجی مهاجر» است و «بچه»ی ما نیست. ما در مورد او تا آن جا مسئولیت داریم که اول نگذاریم وارد کشور بشود و دوم نگذاریم جسدش روی زمین بماند.

چرا مهاجرت‌های روستائیان و حتی شهرنشینان داخلی را نمی‌بینیم که به خاطر تغییرات و تخریب‌های شدید زیست‌محیطی و از بین رفتن زمین‌های کشاورزی، تعطیل و ورشکست شدن کارگاه‌ها و کارخانه‌ها و بی‌کاری کارگران، بار سفر می‌بندند و به‌سوی شهرهای بزرگ و تهران سرازیر می‌شوند، در حالی که آن مشکلات در همین شهرها هم وجود دارد؛ بیکاری، عدم ثبات و ناامنی شغلی، آلودگی هوا، کم و بی‌آبی، گرانی و تورم غیر قابل کنترل و...

این نگاه «همان جا»یی موجب می‌شود ما و مسئولان‌مان، مشکل را از خود و در خود نبینیم. و لاجرم با انداختن آن به گردن این سازمان و آن نهاد، شانه از زیر حل و فصل بنیادی آن، خالی کنیم. مشکل، چه از «همان جا» آمده باشد، چه محصول بی‌مبالاتی‌های خودمان در داخل باشد (که هست!) «مشکل» است و باید چاره‌ای اساسی برای آن اندیشید.

حتی اگر منشاء تمام مشکلات از «همان جا» باشد، کدام وجدان بیداری می‌تواند حتی تصور دفن‌شدن یک کودک در محل تفکیک زباله را تصور کند؟ چه برسد به اعتراف به آن، صرفا با این استدلال که این کودکان زباله‌گردی که برای پیمانکاران شهرداری کار می‌کنند، که در میان زباله زندگی می‌کنند، در میان زباله می‌میرند و در میان زباله دفن می‌شوند، مال ما و داخلی نیستند.

این چگونه قلبی است که در سینه مسئولان ما می‌تپد؟ قلبی که تاب چنین دردی را می‌آورد تنها از آن جهت که از «همان جا» آمده است!

چه بر سر شجاعت دینی و جسارت انسانی ما آمده است که برای هر مشکلی، دنبال یک مقصر خارجی می‌گردیم تا خود را در پشت آن، پنهان کنیم.

«همان جا» در همه جای این سرزمین در حال گسترش است. همه آن‌ها که چه از خارج و چه از روستاها و شهرهای خودمان، به‌سوی تهران سرازیر می‌شوند، فرزندان گرسنه‌ای دارند و حاضرند تن به هر کاری بدهند. پرسش اساسی این است: شما به‌عنوان مسئول در کجای این «همان جا» ایستاده‌اید که به جز محصور و کنترل کردن و بستن مرزها، چاره دیگری به ذهن‌تان نمی‌رسد؟!

از گوشه و کنار

این هنوز از نتایج سحر است

کشف انبار داروهای احتکار شده به ارزش ۵ میلیارد تومان

PDF Compressor Free Version



سخنگوی سازمان تعزیرات حکومتی با اشاره به تشدید نظارت و بازرسی تعزیرات بر بازار، گفت: انبار بزرگ داروهای احتکار شده قاچاق در استان البرز به ارزش پنج میلیارد تومان کشف شد. سید یاسر رایگانی افزود: متخلف پرونده احتکار داروهای قاچاق، مجوز فعالیت در زمینه دارو ندارد و داروهای کشف شده اغلب قاچاق هستند و پرونده رسیدگی به این تخلف در حال رسیدگی است. وی گفت: در راستای اجرای مصوبات ستاد تشدید مبارزه با اختفا و احتکار، بازرسی‌هایی در سراسر کشور از سوی گشت مشترک تعزیرات در حال انجام است و این بازدیدها از همه صنوف ادامه دارد. رایگانی با بیان این که بازرسی‌ها و گشت‌های تعزیرات تشدید می‌شوند، گفت: انتظار داریم بازاریان و فروشندگان با اعلام فهرست موجودی خود به سازمان صنعت، معدن، تجارت در هر استان و عرضه به موقع کالاها باعث آرامش بیش از پیش بازار شوند. شهروندان می‌توانند شکایات خود را از طریق سامانه پیامکی ۳۰۰۰۰۰۱۳۵ سازمان تعزیرات حکومتی یا شماره تلفن ۱۲۴ بازرسی سازمان صنعت، معدن و تجارت ثبت و پیگیری کنند.

سقوط جمعیت به زیر صفر

باز هم پای دهه شصتی‌ها در میان است!



صالح قاسمی جمعیت‌پژوه عنوان کرد: پیش‌بینی جمعیت شناسان این بود که سیر کاهش تولدها از سال ۱۳۹۶ آغاز شود اما آمارها نشان می‌دهد که این سیر کاهش دو سال زودتر یعنی از سال ۱۳۹۴ به بعد آغاز شده است. قاسمی با بیان این که در سال ۱۳۹۴، یک میلیون و پانصد و هفتاد هزار و دویست و نوزده تولد ثبت شده است، اعلام کرد: این تعداد تولدها در سال ۱۳۹۵ به یک میلیون و ۵۲۸ هزار و ۵۳ تولد کاهش یافته و در سال ۱۳۹۶ میزان تولدها به یک میلیون و ۴۷۸ هزار و ۹۰۸ نفر نزول کرده است. وی افزود: افزون بر این که سیر کاهشی تولدها زودتر از پیش‌بینی‌های ما در ایران آغاز شده، کاهش نرخ جمعیت را با شیب تندتری آغاز کرده‌ایم، یعنی سرعت کاهش تعداد تولدها فراتر از تصور ماست. بر اساس این الگوی جدید و بر مبنای آمار تولدهای ماه‌های نخستین سال ۱۳۹۷ این کاهش جمعیت همچنان ادامه خواهد داشت. وی با بیان این که متولدین دهه ۶۰ در حال خارج شدن از سنین باروری هستند، ابراز داشت: هر چند دهه ۶۰ نقطه عطف افزایش نرخ باروری در ایران بود و متولدین این دهه در حال حاضر به سنین میان‌سالی نزدیک می‌شوند در حالی که این افراد یا ازدواج نکرده‌اند و یا در حال خارج شدن از دهه چهارم زندگی‌شان هستند؛ یعنی افرادی که در سنین باروری قرار گرفته‌اند، تعدادشان کاهش یافته است.

یک کارشناس آموزشی مطرح کرد

گردش مالی ۳۰ تا ۵۰ میلیاردی انتخاب رشته کنکور طی یک هفته

یک کارشناس آموزشی درباره گردش مالی بازار انتخاب رشته گفت: ۱۰ درصد داوطلبان یعنی حدود ۱۰۰ هزار نفر بابت انتخاب رشته پول می‌دهند و میانگین گردش مالی انتخاب رشته در این یک هفته حدود ۳۰ تا ۵۰ میلیارد تومان است. به گزارش ایسنا، مرتضی کیا، کارشناس آموزشی و مدیر دبیرستان نیز درباره ملاک‌های یک انتخاب رشته کنکور خوب گفت: ملاک اصلی انتخاب رشته خوب در ابتدا «علاقه» است. در این تب و تاب چند روزه انتخاب رشته، بازار کاذبی شکل می‌گیرد و افرادی تحت‌عنوان مشاور از ۵۰۰ هزار تا دو و نیم میلیون تومان برای انتخاب رشته از خانواده‌ها پول می‌گیرند.